

نگاهی دوباره به انقلاب ایران (۴)

عباس ملکی^۱

در چهل سال اخیر، مجموعه فعالیت‌های مردم ایران برآیندی قابل توجه داشته است. دستاوردهای ایرانیان در این زمینه می‌تواند جمع‌آوری و دسته‌بندی گردد. هرچند ممکن است برخی از این دستاوردها در طول زمان برای هر حکومتی به دست آید، اما اغلب آن‌ها – بدون در نظر گرفتن عنصر زمان – از دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران است. منظور آن است که اگر مثلاً در دوره پهلوی تعداد روستاییان بهره‌مند از برق اندک بود، بدیهی است که با در نظر گرفتن عنصر زمان، می‌توان گفت که چنانچه آن رژیم بر سر کار بود در سال‌های بعد می‌توانست آمار برق‌رسانی به روستاها را افزایش دهد. اما برخی از فعالیت‌ها در گذشته وجود خارجی نداشت و اختصاص به دوره جمهوری اسلامی در ایران دارد. مثلاً، اگر فعالیت در توسعه اطلاعات و ارتباطات موضوع سخن باشد، طبیعتاً در رژیم گذشته چیزی به نام فضای مجازی وجود نداشت؛ یا موضوع درهم‌تنیدگی روابط بین‌الملل و تحولات برق‌آسای سیاسی و اقتصادی در نقاط مختلف جهان به نوعی از پیامدهای جهانی شدن است.

۱. دانشیار سیاست‌گذاری انرژی دانشگاه صنعتی شریف؛ رایانامه: maleki@sharif.edu



یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی وارد کردن گاز طبیعی به حوزه کاربردی انرژی و توسعه چشمگیر دسترسی و مصرف از این حامل انرژی بوده است. صنایع وابسته به گاز همچون پالایشگاه‌ها و مجتمع‌های تولید پتروشیمی نیز در سال‌های پس از انقلاب توسعه چشمگیری یافته‌اند. ایران با داشتن یک درصد از جمعیت جهان دارای ۱۷/۲ درصد از ذخائر ثابت شده گاز جهان است. ذخائر اثبات شده گاز طبیعی ایران ۳۳/۲ تریلیون متر مکعب است که پس از روسیه با ۳۵ تریلیون متر مکعب، در جایگاه دوم است. در طول سال‌های پس از انقلاب، میداین گازی کشور به تدریج کشف و مطالعه شد و سپس عملیات توسعه و استخراج آغاز گشت. تولید گاز در ایران در انتهای سال ۲۰۱۷، برابر ۲۲۴ میلیارد متر مکعب بود که بدین ترتیب ایران دارای ضریب ذخائر به تولید برابر ۱۴۸ سال است. اکنون ایران سومین کشور مصرف کننده گاز طبیعی در جهان است.

ایران، با توجه به قرار داشتن در دوره دوم عمر مخازن نفتی کشور و اقبال جهانی به گاز به عنوان حامل انرژی فسیلی پاک، پیش‌قراولی اقتصادهای نوظهوری مانند چین، هند، روسیه و برزیل، رشد فزاینده تقاضای گاز در دنیا و در منطقه می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در بازار جهانی گاز داشته باشد. مصرف فزاینده مهم‌ترین تهدید آینده صنعت گاز ایران است که باید با سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی به سمت میزان بهینه و کارا حرکت کند. همچنین، اتخاذ دیپلماسی صحیح در حوزه گاز می‌تواند زمینه‌ساز اقتدار منطقه‌ای و جهانی ایران باشد.

بهره‌گیری گسترده از گاز طبیعی از پیش‌نیازهای توسعه پایدار به شمار می‌آید. اکنون که مسائل مربوط به محیط زیست برای حفظ کره خاکی و دوری از تولید روزافزون گازهای گلخانه‌ای با اهمیت‌تر از گذشته است، استفاده از گاز طبیعی که نسبت به نفت خام سازگارتر با طبیعت است توصیه می‌شود. در جهان، مطابق نظریه آژانس بین‌المللی انرژی، گاز طبیعی، تا سال ۲۰۳۰، سالانه حدود دو درصد رشد تقاضا خواهد داشت. بیشترین نرخ رشد تقاضای گاز طبیعی در کشورهای آسیایی و خاورمیانه خواهد بود. چین و هند، با توجه به افزایش جمعیت و الزامات معاهده پاریس، به محدود ساختن تولید گازهای گلخانه‌ای خود ملزم شده‌اند. به این دلیل، این دو کشور همراه با دیگر کشورهای با اقتصاد نوظهور در صدد ساخت و تکمیل زیرساخت‌های استفاده از گاز طبیعی در دریاها و بنادر و سرزمین خود هستند.

ایران یکی از کشورهای است که بیشترین مقدار مصرف گاز را دارد. از سویی، باعث خوشحالی است که زیرساخت‌های صنعتی و خدماتی ایران به سمت استفاده سهل از گاز طبیعی سوق یافته است؛ زیرا با جایگزین شدن گاز به جای استفاده از فرآورده‌های نفتی در داخل کشور، می‌توانیم نفت خام و یا محصولات ناشی از آن را به قیمت‌های بالاتر صادر کنیم. سیاست‌گذاری انرژی در ایران نیازمند بازنگری جدی و جامع است. تعدیل بهای سوخت و



ایجاد تناسب مابین قیمت در داخل و قیمت‌های بین‌المللی، بی‌شک مزیت مصرف گاز را بر همگان آشکار می‌سازد. به طور متوسط، یک واحد گاز طبیعی، با شدت حرارتی مشابه با یک واحد نفت خام، یک سوم قیمت نفت را در بازارهای جهانی دارد. بنابراین، همچنان مصرف گاز در داخل و صادرات نفت توصیه می‌شود. ایران با جایگاه ویژه ژئوپلیتیکی و ذخائر غنی گازی باید به باشگاه صادرکنندگان گاز پیوندد. تشکیل مجمع کشورهای صادرکننده گاز اولین قدم در این راه است که لازم است ولی کافی نیست.

ایران یکی از معدود کشورهایی است که در استفاده از گاز طبیعی در ناوگان حمل و نقل خود موفق بوده است؛ به طوری که اکنون یک چهارم از خودروهای سواری کشور با سوخت گاز هم می‌توانند حرکت کنند. اما مشکل این است که مصرف داخلی گاز طبیعی اکثراً در بخش خانگی است و بخش صنعتی، نیروگاه‌ها و کارخانه‌ها مقدار کمتری از گاز را مصرف می‌کنند. حدود ۶۱ درصد از مصارف گاز در بخش غیرمولد است که از این مقدار ۸۸ درصد در مصارف خانگی است.

نکته بعدی توجه جدی به صنایع انرژی‌بر است؛ صنایعی که در دیگر کشورها به دلیل حفظ محیط زیست و یا کمبود انرژی امروزه کمتر مورد توجه است. شاید به جای صادرات گاز بتوان سیمان کلینکر، شیشه، آلومینیوم، دیگر فلزات و مواد پتروشیمی صادر کرد و ارزش افزوده اشتغال حاصل از آن‌ها را نصیب کشور کرد.

آنچه موجب نوشتن این قطعه کوتاه شد، درهم‌تنیدگی مسئله گاز با انقلاب در ایران است. گرچه می‌توان از منظر اقتصاد انرژی ثابت کرد که اقدام دولت در ایجاد دو شبکه سراسری برق و گاز در کشور، هدر دادن منابع سرمایه‌ای به صورت انبوه بوده است، اما نمی‌توان از نقش فرهنگی چنین اقدامی به راحتی گذشت. ایران، قبل از انقلاب ۱۳۵۷، شبکه اتصال الکتریکی در نیمی از کشور را داشت. مناطق شمال شرقی کشور به شبکه برق متصل نبودند و استان‌های مزبور به صورت مستقل به تولید و انتقال برق می‌پرداختند. پس از انقلاب اسلامی، شبکه برقی کشور کامل و یکپارچه شد که این خود یکی از موفقیت‌های ایران در دوران انقلاب است. اما از همان ابتدای روزهای پس از انقلاب، انتظارات مردم متوسط شهری بر استفاده از سوخت گاز بر دولت فشار می‌آورد؛ خصوصاً که با اقدام عراق در شروع جنگ و بمباران پالایشگاه‌ها، تولید و توزیع مواد سوختی با محدودیت روبرو شد. فشار نمایندگان شهرهای مختلف در مجلس شورای اسلامی، وزارت نفت را مکلف به توسعه و تکمیل شبکه لوله‌کشی شهرها کرد. هم‌زمان، صادرات گاز به جمهوری آذربایجان شوروی قطع شده بود و روستاهای بر سر راه شاه لوله‌های گاز کشور نیز به تدریج خواستار استفاده از نعمت گاز طبیعی شدند. اینچنین شد که وزرای نفت برای تأمین نظر نمایندگان به سرعت به گازرسانی به اقصا نقاط کشور



پرداختند. در اواخر جنگ، برای صادرات گاز به ترکیه، دولت مجبور شد که یک خط لوله گاز جدید را طراحی کند و آن را بسازد؛ زیرا خطوط لوله قبلی همگی در استفاده داخلی قرار گرفته بودند. گرچه از لحاظ اقتصادی، هزینه‌های مصرف‌شده برای تکمیل شبکه برق و ایجاد شبکه گازی کشور، توجیه کاملی ندارد، اما نباید از یاد برد که این کار نشانگر تفوق اصلی‌ترین بُعد انقلاب اسلامی بر سیاست‌های اقتصادی دولت بود. مردم ایران مایل بودند که از برکات طبیعی این کشور استفاده کنند و در عین حال همه طبقات و لایه‌های اجتماعی - اعم از شهری و روستایی - به اجرای عنصر عدالت در این زمینه اصرار داشتند. اینک در ایران، زندگی در روستا به لحاظ دسترسی به خدماتی همچون برق، آب تصفیه‌شده، گاز، و تلفن و دسترسی به فضای الکترونیک تفاوتی با شهرهای بزرگ ندارد. آنچه موجب مهاجرت مردم به شهرها می‌شود مسئله اشتغال است.

در سه شماره گذشته، به این موضوع پرداختیم که در جهان تعداد انقلاب‌های بزرگ - که همه زوایای جامعه را به صورت ناگهانی تغییر داده باشند - محدود است و از این نظر، انقلاب اسلامی ایران آخرین انقلاب اجتماعی است که در جامعه بشری رخ داده است. شناخت این انقلاب، دلایل ظهور، و پیامدهای آن از کارهای مهم نخبگان کشور است.

در مجله مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی شماره پاییز ۱۳۹۷، مطابق معمول، بخشی برای مطالعه نظری انقلاب‌ها در نظر گرفته شده است. در این شماره، مقاله دیگری از جک گلدستون، استاد نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی و انقلاب‌ها در دانشگاه جرج میسون آمریکا، تحت عنوان «بازاندیشی در مورد انقلاب‌ها: ترکیب سرچشمه‌ها، فرایندها، و برآیندها» آمده است. این مقاله که با ترجمه خانم دکتر حمیرا مشیرزاده، دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، عرضه شده است، به تفاوت‌های انقلاب‌های بزرگ با انقلاب‌های نوع جدید می‌پردازد که به دنبال اصلاحات در جامعه‌اند.

در این شماره، همچنین مقالاتی علمی - پژوهشی در زمینه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی ارائه شده است: دو مقاله درباره ابعاد حضور ایران در سوریه، دو مقاله در زمینه دیپلماسی اقتصادی ایران و افغانستان خصوصاً با بهره‌گیری از بندر چابهار، و دو مقاله در مورد سیاست خارجی عربستان سعودی، مقاله‌ای در مورد تنش‌زدایی در روابط این کشور با ایران، و مقاله دیگری با تمرکز بر مسئله قطر آمده است. به علاوه، در این شماره، تحلیلی بر اقتصاد سیاسی دولت آیت‌الله هاشمی می‌خوانید. جناح‌گرایی در سیاست داخلی و تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی موضوع مقاله دیگری است که در این شماره چاپ شده است. سه مقاله در مورد ایالات متحده آمریکا نوشته شده است: یکی از مقالات به موضع مجتبع‌های نظامی - صنعتی این کشور پرداخته و دو مقاله دیگر بر سیاست خارجی ترامپ متمرکز است.



مقاله‌ای در مورد تعهدات دولت ایران براساس موافقت‌نامه پاریس در زمینه کاهش گازهای گلخانه‌ای و مقاله دیگری در باب شبکه ارزش خدمات در فضای مجازی نیز در شماره اخیر آمده است.

«گزارش سیاستی» از بخش‌های مهم این مجله است. در این شماره، چهار گزارش سیاستی عمده درج شده است که عبارت‌اند از: مسئله‌شناسی پایداری در منطقه آزاد اروند، نگرشی مقایسه‌ای به اهداف شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، گزارش سیاستی تفکیک مالکیت و مدیریت در راستای حمایت از توسعه فناوری و صنعتی. به علاوه در این بخش، صورت نوشتاری سخنرانی دکتر شهربانو تاجبخش در مورد مفهوم امنیت انسانی را می‌خوانید که در آذر ۱۳۹۶ در همایش «حکمرانی و امنیت غرب آسیا» ارائه شد.